

## یادداشت

سرنوشت مشابه ۲ کره  
با جنوب و شمال خلیج فارس

غلامرضا مصدق

استاد دانشگاه

اگر به عکس شبانه ماهواره‌ای از شبه جزیره کره توجه کنید، ملاحظه خواهید کرد، در شب کل پهنه کره جنوبی نورانی و روشن و از مدار ۳۸ درجه به بالا که مرز مشترک با کره شمالی است، به یکباره شبه جزیره تارمز مشترک با چین در تاریکی فرو می‌رود، آنچنان که گویی کره جنوبی جزیره‌ای در حد فاصل این کشور با چین است. امروزه درآمد سرانه کره شمالی ۴ درصد کره جنوبی، تولید ملی کره جنوبی ۱۷۰ و کره شمالی ۲۹ میلیارد دلار است، با اختلاف جزئی ۶۰ برابری! اما همیشه فاصله دو کره مثل امروز نجومی نبود، برعکس، این کره شمالی بود که کره جنوبی را پشت سر گذاشته بود. بعد از اتمام جنگ کره در سال ۱۹۵۳، رشد اقتصادی کره شمالی طی سه سال ۱۹۵۴ تا ۱۹۵۶ به رشد خیره‌کننده ۳۰ درصد و از ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۰ به رشد ۲۱ درصد رسید. گزارش محرمانه سازمان سیا در اوایل ۱۹۷۰ تأکید داشت قدرت صنعتی و اقتصادی کره شمالی به مراتب از کره جنوبی بیشتر است. رشد اقتصادی بالای کره شمالی موجب توجه و غبطه دانشجویان و روشنفکران کره جنوبی به همسایه شمالی شده بود. جنوب و شمال خلیج فارس هم تاریخ معاصرش با جنوب و شمال شبه جزیره کره مشابه است. توسعه و پیشرفت اقتصادی در گذشته به لحاظ اقتصادی فاصله‌ای کهکشانی با پهنه جنوب این خلیج داشت، تا آنجا که شیوخ شان برای تفریح و بیمارانشان برای درمان به ایران می‌آمدند، ایران برای بهبود زندگی آنها، برایشان بیمارستان و مدرسه می‌ساخت، صادرات کالاهای صنعتی ساخت ایران به سویشان روان بود، در ملاقات‌های شیوخ آنها با مسئولان ایرانی، درخواست کمک برای بهبود اقتصاد و زندگی شان، تجویع بند سخنانشان بود، اما همان طور که ورق برای شمال و جنوب شبه جزیره کره برگشت، برای شمال و جنوب خلیج فارس هم برگشت، چه کسی باور می‌کرد تولید ملی ۸/۲ میلیارد دلاری کشور کوچک امارات در سال ۱۹۷۳ به ۵۰۷ میلیارد دلار در ۲۰۲۲ برسد و از اقتصاد ایران بزرگ سبقت بگیرد؟ چه کسی تصور می‌کرد، کشور مینیاتوری قطر که تلفظ اسم آن برای مردم دنیا مشکل بود و نمی‌دانستند کجای کره زمین قرار دارد، با جمعیت بومی ۶۰۰ هزار نفری در سال ۲۰۲۲ جام جهانی فوتبال را برگزار کند؟ چه کسی در خواب می‌دید، جزیره کوچک بحرین به سریع‌ترین سیستم بانکی، جهان در حال رشد برسد؟ قطور شد کشور فقیر عمان که ارتش ایران آن را از چنگال کمونیسم نجات داد و کاخ پادشاهی آن با پول اهدایی ایران ساخته شد، لقب سوئیس خاورمیانه را گرفت؟ متأسفانه نرخ تمام شاخص‌های اقتصادی، رشد تولید ملی، سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، تولید نفت و گاز، تراژیت کالا و مسافر، گردشگری، کنترل تورم، بهره‌وری، صادرات، صادرات مجدد، زیرساخت‌های IT و غیره در شمال خلیج فارس بعضاً منفی و یاد بهترین حالت قطعی و در جنوب تصاعدی در حال افزایش است. در سال ۲۰۲۳ تولید جنوب خلیج فارس از ۲۵۰۰ میلیارد دلار گذشت، تولید شمال آن به ۴۰۰ میلیارد هم نمی‌رسد.

## خبر

حشمتا... فلاحت پیشه:

## روحانی باید انتظار رد صلاحیت رامی داشت

معدلات حاکم بر فضای رقابت انتخابات ۱۰ اسفند هر روز شفاف‌تر می‌شود. اصلاح‌طلبان اعلام کردند «نمی‌توانند مشارکت کنند»، اعتدالی‌ها نیز پس از رد صلاحیت حسن روحانی موقعیت شان تضعیف شد؛ مجموعه یاران علی لاریجانی نیز منتظرند ببینند نتیجه اعتراض رد صلاحیت‌ها چه خواهد شد. حال باید دید در نهایت صحنه رقابت چه آرزویی پیدا می‌کند. حشمتا... فلاحت پیشه درباره تأثیر رد صلاحیت حسن روحانی بر آرایش صحنه رقابت انتخاباتی گفت: رئیس جمهور مسئول اجرای قانون اساسی در جمهوری اسلامی ایران است. روحانی باید انتظار رد صلاحیت رامی داشت. معتقدم روسای جمهور گذشته ایران نیز در شکل دادن به شرایط و اوضاع امروز نقش داشتند. وی افزود: ما نمی‌دانیم به چه دلیل فقهای شورای نگهبان قانون اساسی آقای روحانی را برای انتخابات مجلس خبرگان رهبری رد صلاحیت کردند. آنچه امروز در کشور وجود دارد، نتیجه عملکرد سیاستمدارانی است که شعارهای اصلاح‌طلبان سرمی‌داند ولی همین‌که به قدرت می‌رسند محافظه‌کار می‌شوند. آقای روحانی یکی از این سیاستمداران بود. این نماینده ادوار مجلس با بیان اینکه رئیس جمهور باید از حق مردم دفاع و بر انجام وظیفه نهاد نظارت می‌کرد، یادآور شد: آقای روحانی در زمانی که رئیس جمهور بود می‌توانست شرایطی را شکل دهد که در آنجا نظام‌گزینش سیاسی کشور در قالب قانون و شفاف شکل بگیرد به گونه‌ای که کاندیداهای مختلف قربانی سلیقه‌های جناحی نشوند. وی با بیان اینکه روحانی در تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری اصلاح طلب بود اما در نظارت بر اجرای قانون اساسی روز به روز محافظه کارتر شد، گفت: آقای روحانی بعد از رد صلاحیت در انتخابات مجلس خبرگان سعی کرد با جامعه مدنی صحبت کند ولی واقعیت این است که رمقی برای جامعه مدنی در ایران باقی نمانده است چون بخشی از جامعه مدنی از سیاست زده شده و بخشی دیگر گرفتار مشکلات معیشتی شده است. این تحلیلگر مسائل سیاسی جامعه مدنی در جامعه امروز را مهم‌ترین رکن ایجاد مشارکت سیاسی خواند و تأکید کرد: جامعه مدنی انتظارات مردم را خطاب به سیاستمداران منتقل می‌کند و سیاستمدارانی که رأی مردم را می‌گیرند موظفند نظرات مردم را در سیاست‌های اجرایی خود اعمال کنند. معتقدم همه سیاستمداران گذشته در راندن جامعه مدنی از حوزه سیاسی به سوز معیشت و اقتصاد صاحب نقش هستند. فلاحت پیشه با بیان اینکه تعجب می‌کنم آقای روحانی رد صلاحیت خودش را پیش‌بینی نکرده بود، ادامه داد: روحانی هشت سال وقت داشت تا طبق احکام قانون برنامه توسعه، چند سند بنیادی همچون اسناد نظام جامع انتخابات، حقوق شهروندی، امنیت قضائی و سند کار شایسته را تصویب کند اما متأسفانه هیچ اقدامی در این رابطه صورت نگرفت.

## خبر

## رد صلاحیت یا مصلحت

ادامه از صفحه ۳ | در همه تصمیمات، باید منافع همه ایرانیان را در نظر داشت چرا که امروز بیش از هر زمان دیگر نیازمند احیای امید و جلب اعتماد مردم هستیم.» علی جنتی وزیر پیشین ارشاد در واکنش به رد صلاحیت حسن روحانی در انتخابات مجلس خبرگان در یادداشتی در فضای مجازی، نوشت: اقلیت تمامیت خواه حضور رئیس جمهور سابق را نیز در مجلس خبرگان برنفتا تا این نهاد هم به طور کامل در قبضه آنان قرار گیرد. منتظر مشارکت اقلیت در انتخابات باشید. محمد جواد آذری جهرمی نوشت: «تعادل در ریزش و رویش‌ها، طبیعت یک سیستم زنده است. اما اگر ریزش هاشدت یافت و طردکردن و محدودکردن دایره نیز به صورت آزادی و شدت بر آن اضافه شد؛ سیستم به سمت پیری و ناکارآمدی خواهد رفت. ایراد در سیستم را باید یافت و درمان کرد، نسخه حذف افراد یا پیاده‌سازی آن‌ها از قطار انقلاب از ابتدا هم روشن بود که شفافیت نیست؛ روال درمان را تدبیری دیگر باید... عبدالناصر همتی هم چنین واکنش نشان داد: مهم‌تر از مسأله تأیید یا رد صلاحیت افراد برای انتخابات در نزد افکار عمومی، مسأله قهر بخش مهمی از مردم با صندوق رأی است که در انتخابات ۱۴۰۰ نیز خود را نشان داد. رمز تحقق حضور گسترده مردم در انتخابات، اطمینان یافتن آن‌ها از مؤثربودن نتیجه نظرو رأی شان در اداره امور کشور است. سید عباس صالحی وزیر ارشاد روحانی هم نوشت: وقتی از قطار انقلاب افراد و گروه‌ها را پیاده می‌کنیم، ساده‌ترین برداشت این است که چرا سوار شویم که چنین سرنوشتی پیدا کنیم؟! و وقتی بر نامداران انقلاب چنین روا می‌داریم، تکلیف این قطار را از آغاز تا پایان تعیین کرده‌ایم! محمد مهاجری نوشت: حضرات فقهای شورای نگهبان! شما عزیزانی که صلاحیت حسن روحانی را رد کردید، اگر در سال ۱۳۵۶ اوچ خفگان پهلوی در مسجد ارتکاب حضور داشتید، جرأت می‌کردید بالای منبر بروید و خمینی را امام بنامید؟ اگر چنین جرأتی داشتید به رأی امروز خود ببالید و اگر چنین نیستید که نعوذ بر بی و ربکم. #خالص‌سازی. حسام‌الدین آشنا، مشاور حسن روحانی، در واکنش به خبر رد صلاحیت او در انتخابات خبرگان، در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «مصلحت نبود یا صلاحیت؟» جواد امام سخنگوی جبهه اصلاحات در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «به منظور تحقق شعار مشارکت حداکثری و برگزاری انتخابات آزاد، رقابتی منصفانه با حضور نمایندگان تمامی سلیقه‌ها و جریان‌های سیاسی، دکتر حسن روحانی نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی، خبرگان رهبری، فرمانده پدافند کل کشور، دبیر «شعاع» و رئیس جمهور سابق رد صلاحیت شد. کشتی بان را سیاست دیگر آمده است!» از سوی دیگر محمود صادقی فعال سیاسی اصلاح طلب نوشت: رد صلاحیت روحانی نشان داد انتخابات با نتایج تضمین شده بر انتخابات با مشارکت بالاتر جیب دارد. محمد صحنی میرتصریح کرد: اگر تأیید می‌شد شاید فاصله رأی وی و رأی نامزدهای مجلس حضور خواهند داشت. اینکه از هر جریان سیاسی چه تعداد در انتخابات حضور خواهند داشت هنوز مشخص نیست، اما قطعاً از هر دو جریان کاندیدا در انتخابات حضور خواهد داشت. امروز مسأله اصلی این است که آیا مردم نسبت به انتخابات آینده اقبال نشان خواهند داد یا خیر. انتخابات مجلس یازدهم و ریاست جمهوری در سال ۱۴۰۰ نشان داد که میزان مشارکت مردم در پایین‌ترین حد خود قرار داشت و مردم اقبال خوبی نسبت به انتخابات نداشتند. باید واقعیت‌های جامعه را در نظر گرفت. باید از وضعیتی که امروز در کشور رخ داده نگران بود و برای آن راه حل پیدا کرد. وضعیت جامعه شکی شده که هر فردی بر اساس سلیقه که دارد برای دیگران تعیین تکلیف می‌کند. هنگامی که واقعیت‌های جامعه را مورد توجه قرار ندادیم حتی اگر بهترین قانون هم نوشته شود وضعیت تغییری نخواهد کرد.



## سیدرضا کرمی در گفت و گو با «آرمان ملی»:

رد صلاحیت روحانی  
برخلاف دیدگاه‌های رهبری  
در باره انتخابات است

نباید فضا را به سمتی هدایت کنیم که مردم در انتخابات شرکت نکنند



روحانی همواره فرد با کفایت و شایسته‌ای بوده است

آقای روحانی پنج دوره نماینده مجلس شورای اسلامی بوده، دو دوره رئیس جمهور کشور بوده و ۱۶ سال دبیر شورای عالی امنیت ملی بوده است. از سوی دیگر در دوران جنگ نیز معاون مرحوم آیت‌الله هاشمی به عنوان جانشین فرمانده جنگ بوده و نقش مهمی در مناسبات سیاسی در پس از انقلاب اسلامی داشته است. سوال این است که شورای نگهبان چگونه چنین فردی با این سابقه را رد صلاحیت می‌کند و اجازه نمی‌دهد در انتخابات حضور داشته باشد؟ واقعیت این است که ما این رفتار شورای نگهبان را نمی‌پسندیم و بلکه نسبت به آن انتقاد داریم

به همین صورت بوده که جریان‌های سیاسی در انتخابات نماینده داشته‌اند. این وضعیت در انتخابات آینده نیز وجود خواهد داشت و گزینه‌های هر دو جریان سیاسی در انتخابات حضور خواهند داشت. اینکه از هر جریان سیاسی چه تعداد در انتخابات حضور خواهند داشت هنوز مشخص نیست، اما قطعاً از هر دو جریان کاندیدا در انتخابات حضور خواهد داشت. امروز مسأله اصلی این است که آیا مردم نسبت به انتخابات آینده اقبال نشان خواهند داد یا خیر. انتخابات مجلس یازدهم و ریاست جمهوری در سال ۱۴۰۰ نشان داد که میزان مشارکت مردم در پایین‌ترین حد خود قرار داشت و مردم اقبال خوبی نسبت به انتخابات نداشتند. باید واقعیت‌های جامعه را در نظر گرفت. باید از وضعیتی که امروز در کشور رخ داده نگران بود و برای آن راه حل پیدا کرد. وضعیت جامعه شکی شده که هر فردی بر اساس سلیقه که دارد برای دیگران تعیین تکلیف می‌کند. هنگامی که واقعیت‌های جامعه را مورد توجه قرار ندادیم حتی اگر بهترین قانون هم نوشته شود وضعیت تغییری نخواهد کرد.

دولت برای افزایش میزان مشارکت مردم در انتخابات به چه میزان نسبت به افزایش رضایت مردم و حل مشکلات آنها اهتمام داشته است؟

در شرایط کنونی نیز ما با دو بحران تحریم و ناکارآمدی مواجه هستیم که هر کدام در اقتصاد کشور تأثیر منفی گذاشته است. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد باید مردم را به صحنه بیاوریم و با کمک مردم مشکل اقتصادی را حل کنیم. در شرایط کنونی مردم با شرایط سختی زندگی خود می‌گذرانند. چشم‌انداز و مسئولیت‌هایی که امروز در مقابل نمایندگان مجلس وجود دارد با زمانی که ما در مجلس داشتیم از بسیاری جهات متفاوت است. در شرایط کنونی مهم‌ترین مشکلات کشور تحریم‌های بین‌المللی و همچنین مشکلات اقتصادی مردم است که باید برای آن چاره‌اندیشی کرد. همه مسئولان باید بر اساس قانون عمل کنند. در چنین شرایطی است که می‌توان به حل مشکلات کشور امیدوار بود. امروز کشور با مشکلات مختلف داخلی و خارجی مواجه است. به همین دلیل مسئولان باید بیش از آنکه به دنبال فراقکتی و متهم کردن یکدیگر باشند با وحدت رویه عمل کنند تا این مشکلات کاهش پیدا کنند. با گفتار درمانی و شعار درمانی که مشکلات کشور حل نمی‌شود. دوران گفتار درمانی و شعار درمانی به سر آمده است. مشکلات کشور نیاز به عمل درمانی دارد. امروز مهم‌ترین مشکلات مردم کشور مسائل اقتصادی است. در مرحله نخست باید مشکلات معیشتی مردم را به دو قسمت تقسیم کرد. بخش نخست مربوط به مشکلات خارجی است که عمدتاً نیز به واردات و صادرات بازمی‌گردد و بخش دوم نیز به سوء مدیریت‌های داخل کشور ارتباط پیدا می‌کند. نباید همه مشکلات معیشتی را به رویکرد سیاست خارجی کشور گره زد و بلکه باید واقعیت‌ها به وضوح نگاه کرد. ما باید این نکته را یاد بگیریم که در درون کشور استعدادها و ظرفیت‌های زیادی وجود دارد که هنوز توانسته‌ایم به خوبی از آنها استفاده کنیم.

«آرمان ملی»- احسان انصاری: حسن روحانی رئیس جمهور سابق کشورمان که برای حضور در انتخابات خبرگان ثبت نام کرده بود توسط شورای نگهبان رد صلاحیت شد. اتفاقی که با واکنش‌های زیادی مواجه شده است. روحانی در بیانیه‌ای خطاب به مردم در این زمینه عنوان کرد: «پروردگارا، قرار بود در این نظام، خود این مردم، سرنوشت خود را تعیین کنند نه آنکه اقلیتی چند نفره انتخاب آنان را به آنان دیکته کنند. خدا تو بارها در لحظه‌های خطر تأییدت را به این مردم ارزانی داشته‌ای. اکنون نیز دادرسی این مردم نجیب و صبور و قهرمان باش. خدا با این ملت را از آسیب انحصارطلبان و حاسدان و متملقان و تفرقه‌افکنان مصون بدار. خدا صالح و عدل و آزادی و آبادی را به کشور ارزانی دار.» آرمان ملی برای بررسی پیامدهای این اتفاق و بررسی چشم‌انداز پیش روی انتخابات با سیدرضا کرمی، نماینده پنج دوره مجلس شورای اسلامی گفت و گو کرده که در ادامه می‌خوانید.

صلاحیت حسن روحانی رئیس جمهور سابق کشورمان برای حضور در انتخابات مجلس خبرگان رد شد. دیدگاه شما درباره این اتفاق چیست؟

من به دلیل دوستی دیرینه‌ای که با آقای روحانی در قیل از انقلاب، حین انقلاب و پس از انقلاب داشته‌ام ایشان را از نزدیک می‌شناسم ایشان را فردی با کفایت و شایسته‌ای می‌دانم. البته سخن من به معنای این نیست که آقای روحانی خالی از اشکال است و بلکه ایشان نیز مانند همه کسانی که در صحنه سیاسی کشور حضور دارند دارای اشکالاتی هستند. همه ما دارای اشکال هستیم و نقاط ضعفی داریم. اتفاقی که رخ داده و آقای روحانی توسط شورای محترم نگهبان رد صلاحیت شده‌اند برخلاف فرمایشات رهبر معظم انقلاب است که تأکید داشتند انتخابات باید پر شور و با مشارکت بالای مردم برگزار شود. رهبری در سخنرانی‌های اخیر خود همواره به این نکته اشاره کرده که مسئولان باید فضایی ایجاد کنند تا مردم بتوانند در انتخابات مشارکت داشته باشند و از بین گزینه‌های موجود گزینه صلح را انتخاب کنند. رویکردی که شورای نگهبان در پیش گرفته در این راستا قرار ندارد و نگاهی که بر این شورا حاکم است نگاه محدودی است. به هر حال آقای روحانی پنج دوره نماینده مجلس شورای اسلامی بوده، دو دوره رئیس جمهور کشور بوده و ۱۶ سال دبیر شورای عالی امنیت ملی بوده است. از سوی دیگر در دوران جنگ نیز معاون مرحوم آیت‌الله هاشمی به عنوان جانشین فرمانده جنگ بوده و نقش مهمی در مناسبات سیاسی در پس از انقلاب اسلامی داشته است. سوال این است که شورای نگهبان چگونه چنین فردی با این سابقه را رد صلاحیت می‌کند و اجازه نمی‌دهد در انتخابات حضور داشته باشد؟ واقعیت این است که ما این رفتار شورای نگهبان را نمی‌پسندیم و بلکه نسبت به آن انتقاد داریم.

رد صلاحیت آقای روحانی چه هزینه‌های سیاسی خواهد داشت؟

این شیوه برخورد با مشاهیر سیاسی کشور که در گذشته سمت‌های مهمی مانند ریاست جمهوری داشته‌اند باعث خواهد شد که مردم به میزان کمتری پای صندوق‌های رأی بروند و میزان مشارکت در انتخابات کاهش پیدا خواهد کرد. من پنج دوره در مجلس شورای اسلامی حضور داشته‌ام به خوبی با شرایط انتخابات آشنایی دارم. در شرایط کنونی کسانی در مسند تصمیم‌گیری قرار دارند که دارای بیش باز و عمیقی نسبت به مسائل سیاسی نیستند و به صورت محدود به انتخابات نگاه می‌کنند. این در حالی است که در شرایط کنونی نیاز است که افرادی درباره انتخابات تصمیم‌گیری کنند که از پیش و دیدگاه باز برخوردار باشند و شرایط را به شکلی تغییر بدهند که انگیزه مردم برای حضور در انتخابات افزایش پیدا کند. واقعیت این است که در شرایط کنونی چنین بینشی وجود ندارد و نگاهی که بر فضای تصمیم‌گیری درباره انتخابات وجود دارد یک نگاه محدود است. ما به دنبال این هستیم که

نباید نسبت به انتخابات آینده بی تفاوت باشیم. نکته دیگر اینکه به دلیل فقدان احزاب و تشکل‌های سازمان یافته در کشور شرایط انتخابات به شکلی نیست که کاندیداها با برنامه وارد انتخابات شوند. به همین دلیل اغلب انتخاباتی که ما تاکنون برگزار کرده‌ایم شکل فصلی و موقتی دارد. تنها در نزدیکی زمان انتخابات افراد به صحنه می‌آیند و خود را به عنوان کاندیدا مطرح می‌کنند. این در حالی است که اگر کاندیدای مجلس به وسیله احزاب و با برنامه به جامعه معرفی می‌شدند انتخابات از شکل فصلی و موقتی خارج می‌شد و شکل واقعی‌تر و جدی‌تری به خود می‌گرفت